

باب چهل و هفتم

در نهی از نزاع و جدال و ضرب و اختلاف و ما یتکدر به الانسان

در کتاب مستطاب اقدس از قلم مبارک جاری و نازل قوله تعالی:

"إياكم ان تفرّقكم شئوننا النفس و الهوى كونوا كالأصابع في اليد و الأركان للبدن كذلك يعظكم قلم الوحي ان انتم من الموقنين." (بند ۵۸)

و در یکی از الواح جمال نازل قوله تعالی:

"حقّ شاهد و گواه است که ضربی از برای امر الیوم اعظم از فساد و نزاع و جدال و کدورت و برودت مابین احباب نبوده و نیست." (اقتدارات صفحه ۲۲۲)

و در کتاب اقدس نازل قوله تعالی:

"یا عبادى اصلحوا ذات بینکم ثمّ استمعوا ما ینصحکم به القلم الأعلى و لا تتبعوا جبارا شقیّا." (بند ۷۰)

و در لوح محمد حسن تنباکو کوب نازل قوله تعالی:

"سمّ قتال اختلاف بوده و خواهد بود از حقّ بطلبید تا این اختلاف را بائتلاف و اتحاد مبدل فرماید آنه لهو المقتدر القدیر."

و نیز در کتاب اقدس نازل قوله تعالی:

"لا ترضوا لأحد ما لا ترضونه لأنفسکم اتقوا الله و لا تكوننّ من المتکبرین کلکم خلقتم من الماء و ترجعون الی التراب تفکروا فی عواقبکم و لا تكوننّ من الظالمین" (بند ۱۴۸)

و در لوح مواسات میفرمایند:

"باید جمیع احباب با کمال محبت و وداد باشند و در اعانت یکدیگر کوتاهی ننمایند و معنی مواسات که در کتاب الهی نازل شده این است که هر یک از مؤمنین سایرین را مثل خود مشاهده نمایند یعنی خود را اعلی نشمرند و اغنیا فقرا را از مال خود محروم ننمایند و آنچه از برای خود از امورات خیریه اختیار کنند از برای

سایر مؤمنین هم همانرا اختیار کنند. این است معنی مواسات. حدّ مواسات تا این مقام و تجاوز از این از شئونات هوائیه و مشتهیات نفسیه عند الله مذکور."

و در لوح جناب زین العابدین از قلم قدرت جمالقدم جلّ جلاله نازل قوله تعالی:

"در این سنه که هزار و سیصد و شش است بخطّ مظلوم لوحی نازل و در آن این کلمه علیا از افق اعلی اشراق نموده یا قوم اذکروا العباد بالخیر و لا تذکروهم بالسوء و ما یتکدّر به انفسهم. ذکر سوء هم در این سنه نهی شده چه که لسان از برای ذکر حقّ است حیف است بغیبت بیالاید و یا بکلماتی تکلم نماید که سبب حزن عباد و تکدّر است."

و در لوح امین میفرمایند قوله تعالی:

"هر امریکه بقدر رأس شعری¹ رائج فساد و نزاع و جدال و یا حزن نفسی از او ادراک شود حزب الله باید از او احتراز نمایند بمثابه² احتراز از رقصا³.... باری در هیچ امری از امور اینظهور اعظم شریک فساد نبوده و نیست یشهد بذلک لسانی و قلبی و زبری⁴ و صحفی و کتبی و الواحی."

و در لوح بشارات میفرمایند قوله تعالی:

"یا اهل بها شما مشارق محبت و مطالع عنایت الهی بوده و هستید لسان را بسبّ و لعن احدی میالائید سبب حزن مشوید تا چه رسد بفساد و نزاع."

و در لوح دنیا نازل قوله تعالی:

"این مظلوم حزب الله را از فساد و نزاع منع فرمود و باعمال طیّبه طاهره و اخلاق مرضیه روحانیّه دعوت نمود ای اهل عالم فضل این ظهور اعظم آنکه آنچه سبب اختلاف و فساد و نفاق است از کتاب محو نمودیم و آنچه علّت الفت و اتحاد و اتفاق است ثبت فرمودیم نعیمًا للعاملین. مکرر وصیّت نموده و مینمائیم دوستان را که از آنچه رائج فساد استشمام میشود اجتناب نمایند بل فرار اختیار کنند."

¹ رأس شعر: سر موئی

² بمثابه: مانند مثل

³ رقصا: مار گزنده

⁴ زبر: نوشتجات و کتب

و در کتاب مستطاب اقدس نازل قوله تعالی:

"من اغتاط علیکم قابلوہ بالرّفق و الذی زجرکم لا تزجروه دعوه بنفسه و توکلوا علی اللّٰه المنتقم العادل القدير." (بند ۱۵۳)

از این قبیل آیات مبارکات بسیار و در الواح الهیه مندرج است مراجعه فرمایند.

تبصره - در این مقام این مطلب را بمناسبت مینگارد که در کتاب اقدس میفرمایند اگر کسی سر کسی را بشکنند یا کسی را بزند باید دیه جرم از او اخذ شود و تعیین مقادیر آن چون در الواح مبارکه الهیه نازل نشده راجع به بیت العدل اعظم است. حکم مزبور در بند ۵۶ کتاب مستطاب اقدس نازل شده قوله تعالی:

"و اما الشّجاج⁵ و الضّرب تختلف احکامهما باختلاف مقادیرهما و حکم الدّیان لکلّ مقدار دية معینة أنّه لهو الحاکم العزیز المنیع. لو نشاء نفضّلهما بالحقّ وعدا من عندنا أنّه لهو الموفی العليم."

⁵ شجاج: شکستن سر را گویند